

تاثیر مدیریت ترازنامه بر کنترل شاخص‌های مدیریت سود

نوع مقاله: پژوهشی

مینا فرزانه^۱

اسماعیل اقدامی^۲

صغری براری نوکاشتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

بانکداری امروزه فعالیت‌های گسترده‌ای را شامل می‌شود. ریسک و بازده و در کنار هم آوردن سرمایه‌گذاران از مؤلفه‌های مشترک همه فعالیت‌های بانکی هستند. بازده سرمایه هدف اصلی و مهم فعالیت بانک است. هدف اصلی مدیریت ترازنامه (مدیریت دارایی _ بدهی)، هماهنگی همه این فعالیت‌ها از طریق مدیریت کارآمد و اثربخش منابع و مصارف و بازسازی مجدد ساختار دو سمت ترازنامه بانک در جهت سودآوری بهینه با در نظر گرفتن ریسک منابع است. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی علاوه بر کمیت سود به کیفیت آن نیز توجه ویژه دارند اما قابلیت انعطاف استانداردهای حسابداری و مبنای تعهدی به مدیران اجازه می‌دهد که جهت انتقال اطلاعات سود در صورت‌های مالی آن را مدیریت کنند. سود مدیریت‌شده بی‌کیفیت و ناکاراست چرا که رشد اقتصادی را از طریق تخصیص غیربهینه سرمایه کاهش و ریسک مالی بانک را افزایش می‌دهد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر مدیریت ترازنامه بر کنترل شاخص‌های مدیریت سود می‌باشد چرا که هرچه مدیریت سود کمتر باشد، کیفیت سود بالاتر خواهد بود و نتایج تحقیق نشان می‌دهد مدیریت اقلام بدهی و دارایی بانک‌ها در این مورد بی‌تاثیر نیست. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۰ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌ای ۶ ساله منتهی به سال ۱۴۰۰ می‌باشد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی _ پس‌رویدادی است. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان می‌دهد مدیریت ترازنامه

۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
farzaneh.mina@gmail.com

۲ استادیار گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسئول)
esmail.eghdami@iaau.ac.ir

۳ استادیار گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
barari@iaurasht.ac.ir

بر هموارسازی سود تاثیر معناداری ندارد اما بر اندازه اقلام تعهدی غیرعادی تاثیر منفی و معنادار دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت با مدیریت صحیح ترازنامه، می‌توان صورت سود و زیان را کنترل و سود را بهینه کرد.

کلیدواژگان: مدیریت ترازنامه، مدیریت سود، هموارسازی، اندازه اقلام تعهدی غیرعادی.

طبقه بندی JEL: G32, L33, J21

مقدمه

از زمانی که تفکر حاکم بر صنعت بانکداری از دغدغه در مورد بزرگتر شدن حجم ترازنامه بانک به توجه به نرخ‌های بازده سرمایه و کنترل ریسک انتقال پیدا کرد، دانش مدیریت دارایی و بدهی تبدیل به یک ضرورت برای همه بانکداران شد. امروزه روند رو به رشد تغییر گرایش بانکداری دنیا از بسط اقلام ترازنامه به سمت تمرکز بر نرخ‌های بازده سرمایه و کنترل ریسک سبب شده است که دانش مدیریت دارایی - بدهی برای مدیران بانک‌ها برای پاسخگویی به نتایج سود با کیفیت، به یک ضرورت تبدیل شود (رضایی و مهری، ۱۳۹۷).

ALM مدیریت استراتژیک دارایی‌ها و بدهی‌ها برای بهینه‌سازی سودآوری، بهبود نقدینگی و محافظت از آن در برابر خطرات مختلف بانکی است (بریک، ۲۰۱۴) و یک فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و مدیریت ریسک‌های بانکی را در بر می‌گیرد. مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها شامل مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌های فنی است که خلق ارزش برای سهام‌داران و تحت کنترل بودن ریسک‌ها را تضمین می‌کند (رضایی و مهری، ۱۳۹۷). ترازنامه بانک‌ها نشان‌دهنده تغییرات پی‌درپی در ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌ها به‌منظور جذب فعال سپرده و پاسخگویی به تقاضای وام در مسیر تداوم فعالیت بانک است. مدیریت ترازنامه، سودآوری و ارزش اقتصادی حقوق صاحبان سهام را افزایش می‌دهد. در واقع بانک‌ها به‌منظور افزایش سودآوری خود با نظارت بر ریسک و نیز حداقل نمودن زیان ناشی از معاملات، از شیوه‌های مدیریت دارایی - بدهی استفاده می‌کنند. این شیوه‌ها حجم، ترکیب، نرخ حساسیت و کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌ها را برای دستیابی به نسبت ریسک به بازده پیش‌بینی - شده‌ای، هدف قرار می‌دهند (محرابی، ۱۳۹۲).

بانک‌ها مؤسسات مالی هستند که باید بین منابع و مصارف و هزینه و درآمد حاصل از فعالیت خود تعادلی ایجاد کنند که بتوانند به حیات مالی خود ادامه دهند؛ چرا که نقشی اصلی آن‌ها فراهم کردن وجوه از منابع و تخصیص این وجوه به مصارف است. تعادل بهینه بین این عوامل به‌دست نمی‌آید، مگر با در نظر گرفتن ساختار بهینه بدهی - سرمایه و ترکیب دارایی‌های بانک (کریمی و مسیک، ۱۳۸۵). با ایجاد تعادل در نتیجه مدیریت بهینه ترازنامه، می‌توان سود و کیفیت آن را افزایش و انواع ریسک‌های مربوط به آن را کاهش داد و در نتیجه ثروت سهام‌داران را حداکثر کرد (کریمی و مشیری، ۱۳۸۵).

سود در سیستم تعهدی و تحت تأثیر رویه‌های حسابداری که مدیریت انتخاب می‌نماید، محاسبه می‌گردد. اگر سود کیفیت لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران مفید واقع شود. بنابراین کیفیت سود از معیارهای بااهمیت در تصمیم‌گیری‌ها محسوب می‌گردد (مهرانی و

همکاران، ۱۳۹۲). سرمایه‌گذاران که مهم‌ترین گروه کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند. سود حسابداری نشانه‌ای است که موجب تغییر باورها و رفتار سرمایه‌گذاران می‌شود. از این‌رو کیفیت سود می‌تواند اطمینان سرمایه‌گذاران را در بازارهای مالی تحت تأثیر قرار دهد. کیفیت سود مفهومی است با جنبه‌ها، تعاریف و معیارهای متفاوت. از دیدگاه سرمایه‌گذاری، کیفیت پایین سود مطلوب نیست، زیرا سودهای کم کیفیت، تخصیص نامناسب منابع را به دنبال داشته و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. بولو و حسنی (۱۳۹۵) معتقدند سودهای کم کیفیت کارایی لازم را نداشته و منابع را از پروژه‌های دارای بازده واقعی به سمت پروژه‌هایی سوق می‌دهند که واهی بوده و بازده ساختگی و غیرواقعی دارند.

کیفیت سود یک معیار مهم برای بررسی سلامت مالی واحد تجاری است که ثبات، پایداری و نوسان‌ناپذیری سود گزارش‌شده را نشان می‌دهد. مدیران ممکن است عناصر سودها را برای بهتر از واقع نشان دادن وضعیت بنگاه اقتصادی دست‌کاری کنند و با این کار کیفیت سود گزارش‌شده را به حداقل برسانند، زیرا کسانی که برای تصمیم‌گیری‌های خود به سودهای مزبور اتکا می‌کنند، دچار اشتباه شده و تحلیل‌گران مالی نیز نمی‌توانند پیش‌بینی صحیحی از توان سودآوری بنگاه اقتصادی در آینده انجام دهند (سجادی و محمدی، ۱۳۹۸). از عوامل مهم مؤثر در کیفیت سود می‌توان به روش‌های متعدد حسابداری، نارسایی در فرایند برآوردها و پیش‌بینی‌ها، اختیار عمل مدیران و تأثیرپذیری سود از صلاحدید مدیران اشاره کرد. عبارت کیفیت سود به توانایی مدیران در استفاده از اقلام اختیاری در اندازه‌گیری و گزارشگری سود اشاره دارد. اقلام اختیاری ممکن است شامل انتخاب از بین اصول یا استانداردهای حسابداری و به‌کارگیری برآوردها و زمان‌بندی معاملات برای شناسایی اقلام غیرعادی در سود باشد (دسای و همکاران، ۲۰۰۹).

یکی از معیارهای تشخیص مدیریت سود هموارسازی آن است. مدیران مؤسسه به دلایل و انگیزه‌های مختلفی اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. انتقال اطلاعات درباره سود دوره‌های آتی، تحریف سود، افزایش رفاه سهام‌داران، افزایش رفاه مدیریت از جمله آن دلایل و انگیزه‌هاست (هاشمی و صمدی، ۱۳۸۸). سود مؤسسه‌ای که با استفاده از سودهای گذشته هموارسازی سود می‌شوند، قابلیت پیش‌بینی دارد ولی اگر بی‌آنکه این اطلاعات موجود باشند، سودهای مؤسسه به‌صورت غیرواقعی گزارش شوند، آنگاه هموارسازی سود به علت عملکرد ضعیف مؤسسه باعث بروز مشکلات در آینده می‌شود (مارکاریان و همکاران، ۲۰۱۰).

۱ Desai et al

۲ Markaryan et al

معیار دیگر جهت تشخیص مدیریت سود بررسی اندازه اقلام تعهدی غیرعادی می باشد. به کارگیری برآوردها در صورت های مالی، سود را تحت تأثیر قرار می دهد (بارت و همکاران ۱، ۲۰۰۵). اقلام تعهدی نیز بر اساس برآوردهایی هستند که اگر اشتباه باشند، از مفید بودن اقلام تعهدی می کاهند و باید در اقلام تعهدی و سود آتی اصلاح شوند. از نظر دجو و دیچاو ۲ (۲۰۰۲) کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت سود با افزایش میزان خطای برآورد آن ها کاهش خواهد یافت چرا که سود خالص گزارش شده متفاوت از نتیجه عملکرد واحد اقتصادی خواهد بود و محتوای اطلاعاتی سود نادرست آن در تصمیم گیری استفاده کنندگان تأثیر منفی خواهد داشت. از دیدگاه سرمایه گذاران کیفیت پایین سود مطلوب نیست، زیرا باعث عدم تخصیص بهینه منابع می شود (ریچاردسون و همکاران ۳، ۲۰۰۴).

رفتار مدیریت سود در مؤسساتی که سودآوری پایین تری نسبت به بقیه دارند متداول تر است (رضایی و صمدی، ۱۳۹۴) زیرا با هموارسازی، واریانس سود گزارش شده کاهش داده می شود ولی باید توجه داشت که این امر الزاماً کیفیت بالای سود را برای رسیدن به ارزش بالاتر مؤسسه تضمین نمی کند (دنگ و اونغ ۴، ۲۰۱۸). باتوجه به اهمیت سود برای استفاده کنندگان صورت های مالی و همچنین وجود رابطه مستقیم بین سود گزارش شده با سود آتی، هموارسازی سود، ارزیابی سرمایه گذاران از سود آتی مؤسسه و در نهایت سودآوری را تحت تأثیر قرار خواهد داد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱) و این امر می تواند کیفیت سود را بهبود بخشد و یا آن را کاهش دهد (بیور ۵، ۲۰۰۲). در تحقیقات حوزه مدیریت سود معمولاً بانک ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری به دلیل ویژگی های خاص صنعت از سایر مؤسسات مستثنی شده و بررسی نمی شوند (پیزنل و همکاران ۶، ۲۰۰۰). این در حالیست که در بانک ها علاوه بر شرایط بنگاه های اقتصادی دیگر، عوامل دیگری نیز برای مدیریت و هموارسازی سود وجود دارد؛ چرا که بانک ها میبایستی در مقابل ریسک های نقدینگی الزامات سرمایه ای خاصی را رعایت نمایند تا مجبور به تامین مالی مجدد نشوند. از محدود پژوهش های داخلی در مورد کیفیت سود بانک ها، پژوهش بدری و همکاران (۱۳۹۷) در مورد هموارسازی یکی از اقلام تعهدی (ذخیره مطالبات مشکوک الوصول) در بانک های ایران است و پژوهش ایشان عنوان می دارد مدیران در صورت بالا بودن سود جاری، اقدام به ذخیره سود و در صورت پایین بودن سود جاری اقدام به مصرف سود آتی و در واقع اقدام به هموارسازی سود می نمایند. اما در پژوهش ایشان و سایر

۱ Barth et al

۲ Dechow & Dichev

۳ Richardson et al

۴ Deng & Ong

۵ Beaver

۶ Peasnell et al

محققین به جنبه‌های دیگر شاخص‌های سود و حتی جنبه کلی هموارسازی سود در بانک‌ها پرداخته نشده است. لذا با توجه با اهمیت کیفیت سود در بانک‌ها بررسی این موضوع و تاثیر *ALM* بر آن خالی از لطف نیست.

حتی در نبود تحریف عمدی سود توسط مدیران، وجود خطا در برآورد اقلام تعهدی بزرگ نیز ممکن است باعث کاهش کیفیت سود گردد. این خطای برآورد توسط مدیریت که از ماهیت عادی برخوردار نیستند، اقلام تعهدی غیرعادی نامیده می‌شوند. خی^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی نشان می‌دهد اقلام تعهدی غیرعادی مربوط و حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت آتی موسسه هستند. نتایج مطالعات العطار و همکاران^۲ (۲۰۰۸) نیز اعلام می‌دارد که اقلام تعهدی غیرعادی دارای قدرت پیش‌بینی در مورد جریان‌های نقد آتی هستند. سابرامانیام^۳ (۱۹۹۶) هم این‌گونه مطرح می‌کند که اقلام تعهدی غیرعادی رابطه‌ای مثبت و قوی با جریان‌های نقد عملیاتی سال بعد دارند و همچنین، این اقلام با بازده سهام از رابطه معناداری برخوردارند.

۱- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در تحقیقات حوزه مدیریت سود معمولاً بانک‌ها و سایر موسسات مالی و اعتباری به‌دلیل ویژگی‌های خاص صنعت از سایر موسسات مستثنی شده و بررسی نمی‌شوند (پیزنل و همکاران^۴، ۲۰۰۰). این در حالیست که در بانک‌ها علاوه بر شرایط بنگاه‌های اقتصادی دیگر، عوامل دیگری نیز برای مدیریت و هموارسازی سود وجود دارد؛ چرا که بانک‌ها میبایستی در مقابل ریسک‌های نقدینگی الزامات سرمایه‌ای خاصی را رعایت نمایند تا مجبور به تامین مالی مجدد نشوند. از معدود پژوهش‌های داخلی در مورد کیفیت سود بانک‌ها، پژوهش بدری و همکاران (۱۳۹۷) در مورد هموارسازی یکی از اقلام تعهدی (ذخیره مطالبات مشکوک الوصول) در بانک‌های ایران است و پژوهش ایشان عنوان می‌دارد مدیران در صورت بالا بودن سود جاری، اقدام به ذخیره سود و در صورت پایین بودن سود جاری اقدام به مصرف سود آتی و در واقع اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. اما در پژوهش ایشان و سایر محققین به جنبه‌های دیگر شاخص‌های سود و حتی جنبه کلی هموارسازی سود در بانک‌ها پرداخته نشده است. لذا با توجه با اهمیت کیفیت سود در بانک‌ها بررسی این موضوع و تاثیر *ALM* بر آن خالی از لطف نیست.

^۱ Xie

^۲ Al-Attar et al

^۳ Subramanyam

^۴ Peasnell et al

اقدام تعهدی اختیاری ابزار مناسبی برای مدیریت سود هستند (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱). مدیریت سود تعهدی بر ثبات مالی تاثیر مثبت و بر شفافیت اطلاعات تاثیر منفی دارد و به همین جهت بررسی آن در هر حوزه مالی می‌تواند در تصمیمات استفاده‌کنندگان اثربخش باشد. کمتر از پنج دهه است که مدیریت سود در بانک‌ها نیز مورد توجه محققین جهان قرار گرفته است و پیشینه آن در ایران نیز قابل بسط است. با توجه به این‌که مدیریت سود در صنعت بانکداری به علت اجتناب از هزینه‌های قانونی و نظارتی، شدت بیشتری نسبت به سایر بنگاه‌های اقتصادی دارد و با عنایت به نقش بانک‌ها در حفظ ارزش پول و اقتصاد کشور، بررسی معیارهای مدیریت سود در آن امری ضروری است. حوزه اصلی مدیریت سود بانک‌ها دستکاری اقدام تعهدی از جمله اقدام تسهیلات و ذخیره زیان تسهیلات و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول است (حسن‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۸).

با بالارفتن ریسک نقدینگی مؤسسه، انتظار می‌رود که ناهماهنگی بیشتری در برآورد اقدام تعهدی توسط مدیریت بوجود آید که باعث کاهش قدرت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی گردد (العطار و همکاران، ۲۰۰۸) و این موضوع در نهایت بر ترازنامه بانک اثر سوء خواهد داشت. مدیریت ترازنامه می‌تواند از تحریف اقدام تعهدی و در نتیجه کاهش کیفیت سود جلوگیری نماید. خلا موجود در تحقیقات در حوزه اقدام تعهدی غیرعادی ما را بر آن داشته است تا ضمن بررسی آن در صنعت بانکداری، تاثیرپذیری آن از مدیریت دارایی و بدهی را نیز بسنجیم.

۱-۱- پیشینه خارجی

قهطرانی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در مقاله بدترین حالت ارزش مشروط در معرض خطر برای مدیریت بدهی دارایی: چارچوبی برای توابع زیان عمومی، بیان می‌دارند مدیریت دارایی - بدهی (*ALM*) یک وظیفه چالش‌برانگیز است که صندوق‌های بازنشستگی به دلیل ماهیت نامشخص بازده دارایی‌های آتی، دستمزد کارکنان و نرخ‌های بهره با آن مواجه هستند. برای پرداختن به چالش، مقاله یک مدل ریاضی جدید ارائه می‌کند که از یک محدودیت شرطی ارزش در معرض خطر (*WCVaR*) استفاده می‌کند تا اطمینان حاصل شود که با احتمال بالا، نسبت بودجه بالاتر از آستانه تعیین‌شده توسط قانون‌گذار تحت بدترین میزان باقی می‌ماند. رویکرد پیشنهادی با استفاده از داده‌های دنیای واقعی از برنامه بازنشستگی کانادا (*CPP*) ارزیابی می‌شود و نشان داده می‌شود که مدل‌های کلاسیک *ALM* بر اساس *CVaR* یا *WCVaR*، بر روی داده‌های خارج از نمونه عملکرد بهتری دارد. چارچوب پیشنهادی برای مدیریت عدم قطعیت با استفاده از *WCVaR* با توابع غیرخطی می‌تواند در حوزه‌های کاربردی دیگر استفاده شود.

^۱ Ghahtarani et al

بات^۱ (۲۰۲۰) مروری بر مدل‌های مدیریت دارایی _ بدهی دارد. هدف مقاله وی ارائه یک تصویر آنی از زمینه مدیریت دارایی _ بدهی (ALM) از منظر نظری و مدل‌سازی است. مدیریت دارایی _ بدهی با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته ریاضی و محاسبات بسیار پیچیده محاسبه شده است. به نظر می‌رسد برنامه‌نویسی تصادفی بهترین انتخاب از بین تکنیک‌های ALM موجود برای مدیریت دارایی _ بدهی استراتژیک است. این روش با بررسی چند کشور اقتصادی در آینده، به تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری چند دوره‌ای، تعادل مجدد پرتفوی و سازگاری عدم اطمینان کمک می‌کند. این مطالعه یک مرور کلی از تکامل ALM از ایده مطابقت دارایی _ بدهی با تکنیک‌های پیچیده مانند برنامه‌نویسی تصادفی را ارائه می‌دهد. این می‌تواند به محققان ALM جدید در بانک‌ها و نهادهای دیگر کمک کند تا تئوری و مدل‌های مورد استفاده در مدیریت دارایی _ بدهی را به راحتی درک کنند.

۱-۲- پیشینه داخلی

امینی (۱۴۰۲) در تحقیق خود در مورد مدیریت دارایی و بدهی (ALM) با رویکرد تاثیر بر بازدهی و گزارشات مالی، اذعان می‌دارد یکی از چالش‌های اساسی در نظام بانکی افزایش کارایی است. اکنون بانک‌ها ناگزیرند تا میزان کارایی نسبت‌های خود را به منظور رقابت‌پذیری بیشتر در عرصه داخلی و بین‌المللی افزایش دهند. از نظر اقتصادی کارایی به مفهوم تخصیص بهینه منابع، حداکثر استفاده از منابع و تحمل حداقل هزینه با فناوری موجود است. بنابراین محاسبه کارایی بانک‌ها و شناخت عوامل موثر بر آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. نتایج حاصل از تحقیق او نشان داد که بین مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها با نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها با کیفیت گزارشگری مالی و ارزش بانک رابطه معناداری یافت نشد.

فرنیان و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تاثیر بکارگیری مدیریت دارایی _ بدهی بر ریسک اعتباری بانک پرداختند. تحقیق آن‌ها درصدد بررسی پیاده‌سازی الگوی مدیریت دارایی _ بدهی برای مدیریت ریسک اعتباری پیش روی بانک‌ها بود. برای سنجش ریسک اعتباری در تحقیق از متغیرهای نسبت تسهیلات اعطایی به دارایی، نسبت مطالبات معوق به تسهیلات و کفایت سرمایه استفاده شد و ریسک با معیار ارزش در معرض خطر مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ بود که شامل ۱۴ بانک می‌شد. نتایج نشان داد که بهره‌گیری از الگوی مدیریت دارایی _ بدهی برای مدیریت موثر و کاهش ریسک اعتباری پیش روی بانک‌ها امری ضروری است.

^۱ Bhat

۲- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی می‌باشد. این تحقیق از لحاظ روش گردآوری اطلاعات از نوع تحقیق توصیفی - همبستگی می‌باشد و هدف اصلی آن تعیین وجود، میزان و نوع رابطه بین متغیرهای مورد آزمون است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ را در بر می‌گیرد. در این مطالعه برای بررسی موضوع تحقیق از نمونه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و از رگرسیون چندمتغیره در نرم‌افزار ایویوز ۱۱ برای تخمین فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است.

۳- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: مدیریت دارایی_بدهی بر هموارسازی سود تأثیر معنادار دارد.

$$PS_{it} = \tilde{\alpha} + \tilde{\beta}_1 ALM_{it} + \tilde{\beta}_2 Size_{it} + \tilde{\beta}_3 Rev_{it} + \tilde{\beta}_4 CFO_{it} + \tilde{\beta}_5 ROA_{it} + \tilde{\beta}_6 Leverage_{it} + \varepsilon_{it}$$

• متغیر وابسته

PS: هموارسازی سود^۱: نسبت انحراف استاندارد جریان نقد مؤسسه‌ها (std.dev (CFO)) به انحراف استاندارد سود (std.dev(NI)) است (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس این شاخص، هرچه میزان نسبت محاسبه‌شده بیشتر باشد هموارسازی سود بیشتر است و بالعکس (صراف، ۱۳۹۷).

• متغیر مستقل:

ALM: مدیریت دارایی_بدهی:

GR: حساسیت شکاف، فاصله حساسیت دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به تغییرات نرخ بهره را اندازه‌گیری می‌کند. در واقع شکاف معیاری خلاصه از ریسک نرخ بهره است که تغییرات نرخ بهره بازار را به تغییرات در خالص درآمد بهره وصل می‌کند. ریسک نرخ بهره به عنوان تغییرات غیرمنتظره بالقوه در این متغیر شناخته می‌شود. شکاف روی یک بازه‌ی زمانی معین t به صورت تفاوت میان میزان دارایی‌های حساس به نرخ (RSA) و بدهی‌های حساس به نرخ بهره (RSL) تعریف می‌شود (علی، ۲۰۰۴).

موضوع نرخ بهره اگرچه برای مدیران مالی بسیاری از بانک‌ها اهمیت دارد و تعیین‌کننده سود آنهاست؛ اما مدیران بانک‌ها نمی‌توانند سطح نرخ بهره و روند تغییرات آن را کنترل کنند. تغییر در نرخ بهره می‌تواند به علت کاهش ارزش سرمایه سرمایه‌گذاران، سودآوری بانک را با افزایش در

^۱ Profit smoothing

^۲ Ali

هزینه‌های تأمین مالی و کاهش بازده آن که ناشی از دارایی‌های سودآور است، تحت تأثیر قرار دهد. در برخورد با ریسک نرخ بهره، اصلی‌ترین هدف، حفظ سود از اثرات مخرب تغییرات نرخ بهره است. در نظر مدیران بانک‌ها، هدف، دستیابی به سودی است که در حد دلخواه و ثابت باشد لذا بررسی دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ بهره دارای اهمیت است.

همان‌گونه که اشاره شد برای اندازه‌گیری حساسیت به نرخ بهره از روش تحلیل حساسیت شکاف ساده استفاده می‌شود. به همین منظور دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ بهره مورد بررسی قرار می‌گیرند. دارایی‌ها و بدهی‌هایی که بازده یا هزینه آن‌ها با تغییر نرخ بهره در یک دوره زمانی مشخص تغییر کند به عنوان دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ بهره در نظر گرفته می‌شوند. در این گزارش شکاف به صورت تفاوت دارایی‌های حساس به نرخ بهره و بدهی‌های حساس به نرخ بهره تعریف شده است. دارایی‌های حساس به نرخ (RSA) همه دارایی‌ها از جمله دارایی‌های با نرخ ثابت هستند که سررسید کوتاه‌مدت آن‌ها کمتر از ۱ سال است یا دارایی‌هایی با نرخ بهره شناور در هر ۱ ماه، ۳ ماه، ۶ ماه و یا حداکثر ۱ سال. بدهی‌های طبقه‌بندی شده به عنوان بدهی‌های حساس به نرخ (RSL) عبارتند از: همه بدهی‌ها، از جمله بدهی‌های با نرخ ثابت که سررسید آن‌ها بیش از ۱ سال نیست و یا وام‌های با سود شناور که باید هر ۱ ماه، ۳ ماه یا ۶ یا حداکثر ۱ سال تمدید شوند (کول، ۱۹۹۶). به زبان ساده‌تر دارایی‌های حساس به نرخ بهره شامل وام‌ها، اوراق مشارکت، مطالبات از بانک مرکزی، مطالبات از سایر بانک‌ها و سپرده‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها است و بدهی‌های حساس به نرخ بهره شامل سپرده‌ها، بدهی به بانک مرکزی و بدهی به سایر بانک‌هاست.

یک بانک می‌تواند نسبت به دارایی یا بدهی حساس باشد. زمانی یک بانک به دارایی حساس است که شکاف مثبت باشد و در این صورت با افزایش نرخ بهره افزایش در درآمد خالص را تجربه می‌کند. از طرف دیگر زمانی که یک بانک به بدهی حساس است که شکاف منفی باشد و در این صورت با افزایش نرخ بهره، درآمد خالص بهره کاهش خواهد یافت (محرابی، ۱۳۹۲). این داده‌ها در گزارش سالانه بانک در مورد مدیریت ریسک نرخ بهره ارائه می‌شود اما در تحقیق حاضر داده‌های این متغیر از سایت کدال و از بخش ترازنامه استخراج خواهد شد.

$$GR = RSA - RSL$$

• متغیرهای کنترلی:

اندازه مؤسسه ($SIZE$): بیانگر حجم و گستردگی فعالیت بانک است، غالباً شاخص‌هایی را بیان‌کننده اندازه می‌دانند که عملکرد مؤسسه را نشان دهند نه ظرفیت فیزیکی آن را. اندازه مؤسسه به طرق مختلفی، از جمله میزان خدمات مؤسسه، ارزش روز یا دفتری مجموع دارایی‌های مؤسسه، ارزش بازار یا دفتری سهام عادی، ارزش بازار یا دفتری حقوق صاحبان سهام، نسبت قیمت به سود، نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار آن، تعداد کارکنان و یا ترکیبی از عوامل مذکور اندازه‌گیری می‌شود. در

تحقیق حاضر برای تعیین اندازه طبیعی از لگاریتم طبیعی دارایی استفاده می‌شود (مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

اهرم مالی (LEV): بر اساس تئوری سلسله‌مراتب^۱ یک مؤسسه زمانی که با کمبود وجه مواجه می‌شود تمایل به افزایش سرمایه در داخل قبل از صدور سهام جدید و یا قرض گرفتن پول از خارج دارد. از این رو این مؤسسه سرمایه خود را (اگر وجود داشته باشد) برای مصرف داخلی یا پرداخت بدهی‌ها نگه می‌دارد. بدهی بیشتر به معنی این است که سرمایه کمتری برای عملیات در داخل در دسترس است که این موضوع ریسک را افزایش می‌دهد (هاشمی و اخلاقی، ۱۳۸۹). اهرم مالی از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$LEV = \frac{TOTAL\ liabilities}{TOTAL\ ASSET}$$

نرخ بازده دارایی (ROA): بازده دارایی و یکی از نسبت‌های سودآوری است که نشان‌دهنده توانایی یک شرکت یا واحد تجاری در بکارگیری تمام دارایی‌ها و کسب سود از آن‌ها است (صالح نژاد و غیور، ۱۳۸۹).

$$ROA = \frac{EBIT}{TA}$$

رشد درآمد (REV): نرخ رشد درآمد معیار مهمی است که به وسیله آن موسسات می‌توانند بر مبنای داده‌های ورودی تصمیم‌گیری کنند. اگر نرخ رشد درآمد در مقایسه با دوره‌های قبلی کاهش یابد، می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که مؤسسه باید روش دیگری را برای رشد درآمدی خود در پیش بگیرد. عکس این موضوع نیز صادق است، یعنی نرخ رشد فروش بالا غالباً نشانه خوبی برای سهامداران شرکت تلقی می‌شود (موسوی، ۱۳۹۸).

$$REV = \frac{(rev\ t) - (rev\ t-1)}{(rev\ t-1)}$$

جریان نقد عملیاتی (CFO): شاخصیست که نشان می‌دهد آیا شرکت قادر است به قدر کافی جریان نقدی برای ادامه و رشد فعالیت خود ایجاد نماید یا باید به دنبال تأمین مالی از بیرون شرکت باشد و عبارت است از: جریان خالص وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی + جریان خالص وجه نقد ناشی از بازده سرمایه‌گذاری‌ها و سود پرداختی بابت تأمین مالی - سود سهام پرداختی + مالیات بر درآمد پرداختی

فرضیه دوم: مدیریت دارایی_بدهی بر اندازه ارقام تعهدی غیرعادی تأثیر معنادار دارد.

^۱ Pecking Order Theory

$$UNACC_{it} = \tilde{\alpha} + \tilde{\beta}_1 ALM_{it} + \tilde{\beta}_2 Size_{it} + \tilde{\beta}_3 Rev_{it} + \tilde{\beta}_4 CFO_{it} + \tilde{\beta}_5 ROA_{it} + \tilde{\beta}_6 Leverage_{it} + \varepsilon_{it}$$

• متغیر وابسته:

UNACC: اقلام تعهدی غیرعادی:

کشف مدیریت سود یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در مؤسسه‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین ارقام سود است. رویکردهای متفاوتی در تخمین و اندازه‌گیری اختیار مدیریت در تعیین سود وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، مبتنی بر کاربرد اقلام تعهدی اختیاری است. هیلی و همکاران در طی انجام مطالعاتی در زمینه مدیریت سود، با به‌کارگیری اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود اقدام به ارائه مدل‌هایی کرده‌اند (دی آنجلو^۱، ۱۹۸۶؛ هلی^۲، ۱۹۸۵ و جونز^۳، ۱۹۹۱). دچو و همکاران با بازآزمونی مدل آن‌ها که از آن پس «مدل تعدیل‌شده جونز» نام گرفته است، این نتیجه رسیده‌اند که مدل تعدیل‌شده جونز قدرت بیش‌تری برای کشف مدیریت سود دارد (دچو و همکاران^۴، ۱۹۹۵)؛ بنابراین در تحقیق حاضر برای بررسی مدیریت سود از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده می‌شود.

جونز تفاوت سود و وجوه نقد حاصل از عملیات را به‌عنوان اقلام تعهدی (که قابل تفکیک به دو جزء اختیاری و غیراختیاری هستند) شناسایی کرده است. در این رویکرد اطلاعات موجود در وجوه نقد عملیاتی، معیاری عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و کم‌تر می‌تواند مدیریت شود (جونز^۳، ۱۹۹۱). جونز برای بررسی مدیریت سود فرض می‌کند که اقلام تعهدی غیراختیاری در طول زمان ثابت و به‌واسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند اما اقلام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت‌اند؛ بنابراین جزء اختیاری اقلام تعهدی به‌عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت محسوب می‌شود. در این مدل که سعی در تفکیک اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری دارد تلاش شده که تأثیر شرایط اقتصادی یک واحد تجاری بر اقلام تعهدی غیراختیاری کنترل شود. در مدل یادشده در اولین قدم، ارتباط مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص با متغیرهای فروش و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، به شرح زیر برآورد می‌شود:

$$1) \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

^۱ DeAngelo

^۲ Healy

^۳ Jones

^۴ Dechow et al

در این رابطه:

TA : معرف مجموع اقلام تعهدی،

A : مجموع دارایی‌ها،

REV : مجموع درآمد (فروش) و

PPE : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص است.

پس از تخمین پارامترهای مدل شماره (۱) از طریق مدل‌های سری زمانی و یا مقطعی، اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر برای دوره برآورد می‌شوند:

$$2) NDA_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right)$$

در مرحله آخر، اقلام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر حساب می‌شوند:

$$3) DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - NDA_{it}$$

مجموع اقلام تعهدی به یکی از دور روش زیر، باتوجه به اطلاعات موجود حساب می‌شوند:

$$4) TA_{it} = E_{it} - CFO_{it}$$

$$5) TA_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD)$$

که در مدل‌های (۴) و (۵):

E : معرف سود خالص قبل از اقلام غیرمرتبه

CFO : وجوه نقد حاصل از عملیات

CA : دارایی‌های جاری

$CASH$: وجوه نقد

CL : بدهی‌های جاری

STD : حصه جاری بدهی‌های بلندمدت است.

در مدل جونز به طور ضمنی فرض بر آن است که اقلام درآمد، نه در زمان برآورد پارامترهای مدل (دوره رویداد) و نه در زمان تخمین مدیریت سود (دوره برآورد)، مورد اعمال نظر و دست‌کاری مدیریت قرار نمی‌گیرند. دچو و همکاران با نقض این فرض، تغییرات درآمد را در دوره برآورد، نشئت‌گرفته از مدیریت سود می‌دانند؛ بنابراین با واردکردن تغییرات حساب‌های دریافتی در مدل اولیه جونز، مدل تعدیل‌شده جونز را به شرح زیر ارائه می‌دهند:

$$1) \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه یادشده، REC معرف حساب‌های دریافتی است.

• مبانی نظری مدل

مقادیر خطای حاصل از برآورد مدل نهایی، به معنای اقلام تعهدی اختیاری و بیانگر میزان اعمال مدیریت سود است. برای تحلیل دقیق‌تر نتایج می‌بایست مواردی را در خصوص مقادیر خطا مد نظر قرار داد.

- ✓ مقادیر مثبت بیانگر نقاط بالای خط رگرسیون است؛ یعنی مقادیر واقعی اقلام تعهدی در این نقاط بالاتر از مقادیر پیش‌بینی‌شده هستند لذا مدیریت سود در این نقاط از نوع حداکثرسازی سود می‌باشد.
- ✓ مقادیر منفی بیانگر نقاط پایین خط رگرسیون است؛ یعنی مقادیر واقعی اقلام تعهدی در این نقاط کمتر از مقادیر پیش‌بینی‌شده هستند. لذا مدیریت سود در این نقاط از نوع حداقل‌سازی سود می‌باشد.
- ✓ چنانچه تغییرات مقادیر خطای یک دوره زمانی در دو سمت خط رگرسیون تقریباً مشابه و توزیع آن‌ها نرمال باشد، مدیریت سود در این دوره از نوع هموارسازی سود می‌باشد.
- ✓ چنانچه از مقادیر خطای حاصل‌شده قدر مطلق بگیرید نتایج بدون توجه به مقادیر مثبت و منفی نشان‌دهنده انحراف از اقلام تعهدی عادی و مدیریت سود بدون توجه به نوع آن است.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نماد در مدل	<i>PS</i>	<i>UNACC</i>	<i>ALM</i>	<i>SIZE</i>	<i>REV</i>	<i>CFO</i>	<i>ROA</i>	<i>LEV</i>
میانگین	1.709961	-0.097244	1.311140	8.657291	-1.655409	0.005067	-0.019072	1.025767
میانه	0.402627	-0.116381	1.173749	8.627829	0.150965	0.002932	0.002110	0.958459
پیشینه	16.80083	0.302576	5.957938	9.878567	9.013797	0.227172	0.077043	3.323369
کمینه	0.000000	-0.545686	0.061988	7.523473	-203.8662	-0.122139	-0.538605	0.847792
انحراف معیار	3.161638	0.126877	0.866137	0.503935	19.25996	0.037349	0.092719	0.322221
چولگی	2.976140	0.191349	3.107935	0.061132	-10.29112	1.312766	-4.136728	5.439797
کشیدگی	12.31279	4.909020	15.42583	2.520402	108.4870	14.76385	21.24917	34.74796
آماره جارک برا	580.2494	18.00637	916.9318	116.3573	54867.91	690.0879	1907.040	5349.917
احتمال آماره	0.000000	0.000123	0.000000	0.008899	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
مشاهدات	114							

شکل (۱): نتایج تخمین فرضیات تحقیق

منابع: یافته های پژوهش

فرضیه اول: مدیریت دارایی_بدهی بر هموارسازی سود تأثیر معنادار دارد.

$$PS_{it} = \tilde{\alpha} + \tilde{\beta}_1 ALM_{it} + \tilde{\beta}_2 Size_{it} + \tilde{\beta}_3 Rev_{it} + \tilde{\beta}_4 CFO_{it} + \tilde{\beta}_5 ROA_{it} + \tilde{\beta}_6 Leverage_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۱): نتایج بدست آمده از تخمین فرضیه اول تحقیق

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عدد ثابت	- 15.09411	10.94738	- 1.37878 8	0.1715
مدیریت دارایی _ بدهی	0.282137	0.617514	0.45689 2	0.6489
اندازه مؤسسه	2.908886	1.251498	2.32432 4	0.0224
رشد درآمد	0.011782	0.012877	0.91498 4	0.3627
جریان نقد عملیاتی	- 1.299359	6.311638	- 0.20586 7	0.8374
نرخ بازده دارایی	- 44.34883	7.732175	- 5.73562 2	0.0000
اهرم مالی	- 9.328278	2.178331	- 4.28230 6	0.0000
	0.418813	ضریب تعیین تعدیل شده	4.25719 2	آماره F
	2.198893	آماره دوربین واتسون	0.00000 0	احتمال آماره F

منابع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به آماره F می‌توان گفت که مدل رگرسیون فوق معنی‌دار می‌باشد. مقدار آماره دوربین _ واتسون، برابر ۲/۱۹ است و از آنجا که اگر مقدار این آماره بین عدد ۲/۵ - ۱/۵ باشد نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی بین اجزای اخلاص مدل است پس مقدار این آماره نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی بین اجزای اخلاص مدل اولیه می‌باشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل حاکی از آن است که متغیرهای برآوردی مدل از توان توضیح‌دهندگی (۴۱ درصد) برای توضیح متغیر وابسته برخوردارند. باتوجه به نتایج بدست آمده مدیریت دارایی _ بدهی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه دوم: مدیریت دارایی _ بدهی بر اندازه اقلام تعهدی غیرعادی تأثیر معنادار دارد.

$$UNACC_{it} = \alpha + \tilde{\beta}_1 ALM_{it} + \tilde{\beta}_2 Size_{it} + \tilde{\beta}_3 Rev_{it} + \tilde{\beta}_4 CFO_{it} + \tilde{\beta}_5 ROA_{it} + \tilde{\beta}_6 Leverage_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۲): نتایج بدست آمده از تخمین فرضیه دوم تحقیق

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عدد ثابت	- 0.441153	0.315633	- 1.397675	0.1655
مدیریت دارایی _ بدهی	- 0.048330	0.019465	- 2.482942	0.0148
اندازه مؤسسه	0.036840	0.036009	1.023066	0.3089
رشد درآمد	-4.59E- 05	0.000415	- 0.110586	0.9122
جریان نقد عملیاتی	- 1.454256	0.202553	- 7.179639	0.0000
نرخ بازده دارایی	- 0.589269	0.236428	- 2.492383	0.0144
اهرم مالی	- 0.042411	0.069923	- 0.606533	0.5456
	0.622539	ضریب تعیین تعدیل شده	8.850567	آماره F
	1.650404	آماره دوربین واتسون	0.000000	احتمال آماره F

منابع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به آماره F می‌توان گفت که مدل رگرسیون فوق معنی‌دار می‌باشد. مقدار آماره دوربین_واتسون، برابر ۱/۶۵ است و از آنجا که اگر مقدار این آماره بین عدد ۲/۵ - ۱/۵ باشد نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی بین اجزای اخلاص مدل می‌باشد. بنابراین مقدار این آماره نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی بین اجزای اخلاص مدل اولیه است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حاکی از آن است که متغیرهای برآوردی مدل، از توان توضیح‌دهندگی (۶۲ درصد)، برای توضیح متغیر وابسته برخوردارند. باتوجه به نتایج بدست‌آمده مدیریت دارایی _ بدهی بر اندازه اقلام تعهدی غیرعادی تأثیر منفی و معنادار دارد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده در فرضیه اول مدیریت دارایی _ بدهی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

به کارگیری برآوردها در صورت‌های مالی، سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بارت و همکاران، ۲۰۰۵). اقلام تعهدی نیز بر اساس برآوردهایی هستند؛ لذا اگر این برآوردها اشتباه باشند، باید در اقلام تعهدی آتی و سود آتی اصلاح شوند. خطای برآورد و اصلاحات بعدی آن از مفید واقع شدن اقلام تعهدی می‌کاهد. از نظر دچو و دیچاو (۲۰۰۲) کیفیت اقلام تعهدی با افزایش میزان خطای برآورد اقلام تعهدی کاهش می‌یابد. پس برآورد صحیح اقلام تعهدی با کیفیت سود رابطه مثبت دارد. کاهش کیفیت سود به این معنا است که سود خالص گزارش شده متفاوت از نتیجه عملکرد واحد اقتصادی است و محتوای اطلاعاتی سود نادرست و در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیر منفی دارد. از دیدگاه سرمایه‌گذاران کیفیت پایین سود مطلوب نیست، زیرا موجب عدم تخصیص بهینه منابع می‌شود (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۴).

همان‌طور که ذکر شد، در نبود تحریف عمدی سود توسط مدیران، اقلام تعهدی بزرگ ممکن است به علت وجود خطا در برآورد، باعث کاهش کیفیت سود گردد. این خطای برآورد توسط مدیریت باعث ایجاد گروهی از اقلام تعهدی می‌گردد که از ماهیت عادی برخوردار نیستند و در اصطلاح اقلام تعهدی غیرعادی نامیده می‌شوند. این امکان نیز وجود دارد که اقلام تعهدی غیرعادی همیشه ناشی از خطای برآورد اقلام تعهدی نباشند و ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت آتی مؤسسه باشند. لذا باید توجه داشت که با بالا رفتن ریسک نقدینگی مؤسسه، انتظار می‌رود که ناهماهنگی بیشتری در برآورد اقلام تعهدی توسط مدیریت به وجود آید که باعث کاهش قدرت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی گردد (العطار و همکاران، ۲۰۰۸).

از سویی تغییرات در دارایی‌های خالص صرفاً از تخصیص موقتی درآمد و هزینه‌ها ناشی می‌شود. ترازنامه، منابع اقتصادی و تعهدات و نیز اقلام تعهدی (هزینه‌های و حساب‌های تعهدی) و معوقه (هزینه‌ها و اعتبارهای معوق) را شامل می‌شود (ریاحی و بلکویی، ۲۰۰۴) و از این‌رو مدیریت آن می‌تواند از تحریف سود و در نتیجه کاهش کیفیت سود جلوگیری نماید.

نتایج فرضیه دوم با مطالعات العطار و همکاران (۲۰۰۸) در مورد بررسی محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی غیرعادی در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی در بین شرکت‌های بریتانیا، همسو می‌باشد. نتایج کار آن‌ها نشان می‌دهد اقلام تعهدی غیرعادی همانند اقلام تعهدی عادی دارای قدرت پیش‌بینی در مورد جریان‌های نقد آتی هستند. در واقع سود حسابداری به جریان‌های نقدی، اقلام تعهدی عادی و اقلام تعهدی غیرعادی تفکیک می‌گردد و در مدل پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی وارد می‌شود.

۱ Barth et al

۲ Riahi & Belkaoui

باتوجه به اینکه اقلام تعهدی بزرگ معمولاً همراه با خطای برآورد هستند و همچنین با کاهش کیفیت سود و مدیریت سود در ارتباطاند.

۱- پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

- کاهش میزان خطای برآورد اقلام تعهدی با افزایش کیفیت اقلام تعهدی و در نتیجه کیفیت سود

- کاهش خطای برآوردی و میزان اقلام تعهدی غیرعادی (به جهت وجود قدرت پیش‌بینی-کنندگی در مورد جریان‌های نقد آتی) و جلوگیری از عدم تمایل سرمایه‌گذاری در مؤسسه به علت ریسک بالای ورشکستگی

۲- پیشنهادهایی در ارتباط با تحقیقات آتی

این تحقیق می‌تواند به عنوان الگویی به منظور مطالعات بعدی باشد. خلاصه عناوین پیشنهادی برای تحقیقات آینده به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

- مطالعه موردی بانک‌ها در زمینه تحقیق حاضر استفاده از روش‌های دیگر برای الگوسازی
- مطالعه تحقیق حاضر در بازه زمانی ماهانه و هفتگی و حتی روزانه بانک‌ها در صورت دسترسی به پایگاه داده‌ای منسجم و قابل اعتماد
- سنجش دیگر شاخص‌های کیفیت و مدیریت سود

۳- محدودیت‌های تحقیق

- در فرایند تحقیق علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می‌باشد، ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از این محدودیت‌ها ذاتی و برخی ناشی از شرایط محیطی و محدودیت زمانی تحقیق می‌باشد. ضرورت دارد نتایج تحقیق علمی، با مدنظر قراردادن محدودیت‌های موجود مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر بوده است:
- ادغام برخی مؤسسات بانکی در خلال فرایند تحقیق و ایجاد وقفه در جمع‌آوری داده‌ها
- محدودیت در دسترسی به سامانه‌های آماری بانک‌ها
- محدودیت در داده‌های شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها به علت تحریم‌های تحمیل شده به ایران
- احتیاط در تعمیم نتایج به دوره‌های زمانی دیگر به علت نوسانات بالای داده‌های مورد استفاده حتی در مقیاس زمان کوتاه‌مدت

منابع

۱. امینی، رضا (۱۴۰۲). مدیریت دارایی و بدهی ها (*ALM*) با رویکرد تأثیر بر بازدهی و گزارشات مالی. نهمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین مدیریت و حسابداری در ایران، تهران.
۲. ایزدی نیا، ناصر، قوچی فرد، حمزه و حمیدیان، نرگس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین جریانهای نقد عملیاتی، سود خالص و اجزای اقلام تعهدی با جریانهای نقد آزاد آتی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۴)، ۱۹-۳۶.
۳. بدری، احمد، ابراهیم‌نژاد، علی و طهماسبی ترشیزی، علی (۱۳۹۷). مدیریت سود و قیمت‌گذاری ریسک در صنعت بانکداری: شواهدی از ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۶۰)، ۱-۳۲.
۴. بولو، قاسم و حسنی القار، مسعود (۱۳۹۵). مروری بر مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود. نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۵(۲۰)، ۵۳-۳۴.
۵. حسن‌زاده، شادی و مشایخی، بیتا (۱۳۹۸). تبیین الگوی مفهومی چرایی و چگونگی مدیریت سود بانک‌ها؛ رویکرد نظریه زمینه‌ای. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۳)، ۳۷۱-۳۹۳.
۶. رضایی، فرزین و مهری نمک‌آورانی، امید (۱۳۹۷). رابطه بین مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها با عملکرد مالی و کیفیت گزارشگری مالی در بانک‌ها. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۲(۷)، ۱۷۷-۱۹۲.
۷. رضائی لشکرجانی، هاجر و صمدی لرگانی، محمود (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در دستیابی به میانگین سودآوری در موسسه‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب‌وکار، صومعه‌سرا.
۸. سجادی، سید حسین؛ محمدی، کامران. (۱۳۹۸). مفهوم کیفیت سود و روش‌های ارزیابی آن.
۹. صالح‌نژاد، سید حسن و غیور، و حمیدرضا (۱۳۸۹). تأثیر نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی بر قیمت سهام موسسه‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشگر (مدیریت) *Journal of Industrial Strategic management*، ۷(۱۸)، ۲۷-۱۷.
۱۰. صراف، فاطمه، برزگر، قدرت اله و محمدی، مهسا (۱۳۹۷). هموارسازی سود، مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۹)، ۲۱۰-۱۸۹.

۱۱. فرزانه، مینا، اقدامی، اسماعیل و براری نوکاشتی، صغری (۱۴۰۲). ارائه مدل مدیریت دارایی_بدهی (ALM) در تبیین شاخص‌های کیفیت سود با استفاده از روش فازی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲(۴۳)، ۴۷۰-۴۴۳.
۱۲. فرنیان، هادی، رهنمای رودپشتی، فریدون و ترابی، تقی (۱۴۰۰). تأثیر به‌کارگیری مدیریت دارایی - بدهی بر ریسک اعتباری بانک. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۱۰(۳۸)، ۴۵۳-۴۲۹.
۱۳. کریمی، س. م. مسیج، ع. (۱۳۸۵). پیش‌بینی ترازنامه بانکی تازه تاسیس دارایی‌ها و بدهی‌ها بر اساس اصول مدیریتی، هفدهمین سمینار بانکداری اسلامی.
۱۴. کریمی، م. مشیری، ا. (۱۳۸۵). مدیریت بهینه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک با استفاده از مدل برنامه‌ریزی هدف (GP) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
۱۵. محرابی، لیلا. (۱۳۹۲). مدیریت دارایی و بدهی در بانک‌های اسلامی: گزارش سومین روز مدرسه زمستانه پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. مقاله کاری شماره (۴)
۱۶. موسوی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین رشد فروش و بازده دارایی‌ها با پاداش هیأت مدیره موسسه‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت بازاریابی، ۱۴(۴۵)، ۱-۱۲.
۱۷. موسوی، سیدعلیرضا، جمشیدی، علی و رحمانی، کیهان (۱۳۹۱). بررسی نقش هموارسازی سود در پیش‌بینی سود آوری آتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، ۲(۵)، ۱۳۲-۱۱۶.
۱۸. مهرانی، ساسان، اسدی، قربان و گنجی، حمیدرضا (۱۳۹۲). رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۴۲)، ۱۳۷-۱۱۵.
۱۹. مهربان پور، محمدرضا، فرزانه، مینا و عالم تبریز، اکبر (۱۳۹۵). محافظه کاری مشروط و غیرمشروط و ریسک قیمت سهام. چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری.
۲۰. هاشمی، سیدعباس و اخلاقی، حسنعلی. (۱۳۸۹). تأثیر اهرم مالی، سیاست تقسیم سود و سودآوری بر ارزش آتی مؤسسه. حسابداری مالی، ۲(۶)، ۴۹-۳۸.
۲۱. هاشمی، سیدعباس و صمدی، ولی‌اله (۱۳۸۸). آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱(۱)، ۱۴۸-۱۶۷.

22. Al-Attar, A., Hussein, S., Zuo, L. (2008). Earnings quality, bankruptcy risk and future cash flows. *Accounting and Business Research*, 38(1), 5-20.

23. Ali, M. (2004). Asset-liability management: menyiasati risiko pasar dan risiko operasional dalam perbankan. Jakarta: Elex Media Komputindo
24. Barth, M. Beaver, W. and W, landsman. (2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view. *journal of accounting and economics*, 31(1), 77-104.
25. Beaver, W.H. (2002), Perspectives on Recent Capital Market Research. *The Accounting Review*, 77(2), 453-474.
26. Bhat, Dilawar Ahmad. (2020). A review of asset liability management models. PhD Student, Department of Management, Birla Institute of Technology and Science Pilani.
27. Brick, J. R. (2014). Asset-liability management: Theory, practice, implementation, and the role of judgment, EE.UU, Madison, WI:. Filene Research Institute.
28. Dechow, P., sloan, R. and Sweeny, A. (1995). "Detecting earning management", *Accounting Review*, April.
29. Deng, X., & Ong, S. E. (2018). Real earnings management, liquidity risk and REITs SEO dynamics. *The Journal of Real Estate Finance and Economics*, 56(3), 410-442.
30. Desai, H. Bhattacharya, N. Venkataraman, K. (2009). Earnings Quality and Information Asymmetry", available at www.ssrn.com.
31. Ghahtarani, Alireza. Saif, Ahmed. Ghasemi, Alireza. (2024). Worst-case Conditional Value at Risk for asset liability management: A framework for general loss functions. *European Journal of Operational Research*, 318(2), 500-519.
32. Healy, P.M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7(1), 85-107.
33. Jones (1991). Earning management during import relief investigation. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
34. Markaryan, S. E., Snetkova, T. A., & Khairullina, D. V. (2014). Administrative aspects of accounting organization. *Russian experience and problems. Life Science Journal*, 11(8), 107-111.
35. Peasnell, P., Pope, P., Young, S., (2000). Detecting earnings management using cross-sectional abnormal accruals models. *Accounting and Business Research*, 30(4), 313-326.
36. Riahi_Belkaoui, A. (2004), *Accounting Theory*, Cengage Learning EMEA.
37. Richardson S.A., Richard G. Sloan, Mark T. Soliman, İrem Tuna (2005). Accrual reliability, earnings persistence and stock prices. *Journal of Accounting and Economics*, 39(3), 437- 485.
38. Subramanyam, K.R. (1996). The pricing of discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 22(1), 249-281.

39. Xie, H. (2001). The mispricing of abnormal accruals. *Accounting Review*, 76(3), 357-373.

